

نظم اجتماعی (۴ از ۴)

جامعه و نظام اجتماعی را می‌توان به موجود زنده تشبیه کرد ولی باید به این نکته توجه داشت که جامعه یک موجود زنده نیست؛ بلکه **شبیه** یک موجود زنده است. **برخی** رویکردهای جامعه‌شناسی به **تفاوت** این دو عبارت **توجه** کافی نداشته‌اند.

جامعه را می‌توان با انسان مقایسه کرد. **عده‌ای** جامعه را با بدن انسان مقایسه می‌کنند و **عده‌ای** دیگر جامعه را **با روح** انسان مقایسه می‌کنند. البته همان‌طور که انسان بدن و روح دارد جامعه هم **بیرون** و **درونی** دارد.

جامعه‌شناسی تبیینی جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات **بیرونی** توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر **قرارداد**، **ترس** و **اجبار** می‌داند.

جوامعی که **نظم اجتماعی** را از این منظر برقرار می‌سازند، شاید با **تطمیع** و **تهدید** و **اجبار** قادر باشند **پیش‌بینی** رفتارها را تضمین کنند، اما در جلب مشارکت و همکاری افراد براساس **میل**، **رضایت** و **رغبت** موفق عمل نمی‌کنند. از این رو، هر روز باید بر حجم **قواعد** و قوانین **نظارتی**، نیروها و **ابزارهای** کنترل‌کننده خود بیفزایند.

نظم اجتماعی **بیرون** و **مستقل** از ما خواهد بود و فقط باید خود را با آن **تطبیق** دهیم و **سازگار** کنیم.

یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد؛ در حالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان‌هاست و بود و نبود آن، وابسته به انسان است.

جامعه‌شناسی تبیینی که می‌خواست انسان را بر جامعه مسلط کند، او را مغلوب جامعه ساخت.

انسان در این دیدگاه، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود. در حالی که انسان‌ها با سایر موجودات طبیعی، تفاوت‌های بنیادی دارند.

جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه را نیز صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می‌داند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می‌بیند. از این منظر برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته ترند.

طرفداران این دیدگاه گمان می‌کنند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند، در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.